

# آثار بحران فقر و ناامیدی

# آثار بحران فقر و ناامیدی

عباس عبدي

از بس که اصولگرایان تندرو و بی‌منطق بر مساله جمعیت و کاهش رشد آن تأکید می‌کنند، به‌طور عادی نوعی حساسیت منفی نسبت به این مساله به وجود آمده است در نتیجه بسیاری از کارشناسان و اهل نظر یا این موضوع را مساله نمی‌دانند، یا حتی با مساله دانستن آن مخالف هم هستند، در حالی که واقعیت امر چنین نیست. کاهش شدید رشد جمعیت مساله مهمی شده است، ولی توضیح می‌دهم که این مساله بسیار متفاوت از آن چیزی است که طرفداران جناح حاکم می‌گویند. حتی می‌توان گفت که در نقطه مقابل آن است. این جناح به طرز عجیبی ساده‌انگارانه به موضوع نگاه می‌کند و با تصویب قانون جوانی جمعیت که نام آن نیز نادرست و غلط است، و به صورت ویژه در کمیسیون اصل ۸۵ و به دور از چشم مردم آن را تصویب کرد، نه تنها هیچ کمکی به مساله جمعیت نخواهد کرد، بلکه آن را تشدید هم می‌کند. جمعیت ایران کم نیست ولی سقوط رشد جمعیت نشان‌دهنده وجود يك بحران عمیق در لایه‌های دیگر جامعه است. اجازه دهید که ابتدا داده‌های مربوط به زاد و ولد و مرگ و میر را با هم مرور کنیم. آخرین داده‌های ثبت احوال مربوط به ۳۹ هفته اول امسال یعنی از ابتدای فروردین سال جاری تا ۲۶ آذر است. این آمار برای ۳۹ هفته اول سال‌های ۱۳۹۵ تا امروز نیز محاسبه شده است به‌طور خلاصه چنین است.

جالب است که الان هم اگر تقاضای وام کنید، بانك‌های زیادی هستند که اعتباری برای پرداخت ندارند و در برخی از موارد اعلام می‌کنند که هیچ بانکی در استان اعتبار برای پرداخت وام ازدواج ندارد. این قانون‌گذاری نیست، بلکه سرکارگذاری جوانان است. کوشش برای افزایش جمعیت به شیوه‌های سطحی و حتی عجیب کشانده شده است از جمله وارد کردن محتواهای خاص برای ترغیب ازدواج کودکان در کتاب‌های درسی که جز شرم‌آور بودن جمله دیگری را در توصیف آنها نمی‌توان گفت. رشد جمعیت مساله است ولی مساله هزار بدتر از آن انتخاب راه‌های نابخردانه برای حل مساله است.

طی فقط ۶ سال خالص افزایش جمعیت سالانه از ۸۷۶ هزار نفر به ۴۰۲ هزار نفر (در ۳۹ هفته) رسیده است، که اگر برای کل سال در نظر بگیریم، 14/1 میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ و ۵۲۵ هزار نفر در سال ۱۴۰۰ خواهد شد. در این فاصله رشد جمعیت از نصف هم کمتر میشود و به حدود 6/0٪ در سال رسیده است. در این فاصله زمانی کوتاه، حدود ۲۹ درصد از زاد و ولد کاسته شده و ۵۴ درصد بر مرگ و میر افزوده شده است. افزایش مرگ و میر به دلیل کرونا است، ولی مستقل از اینکه آیا کرونا تمام شود یا خیر، به نظر میرسد که فقر و افزایش بیماری‌ها و مهاجرت‌ها نیز موجب کاهش بیشتر رشد جمعیت و تخلیه کشور از نیروهای کیفی بر اثر مهاجرت خواهد شد. ولی مهم‌تر از مرگ و میر، کاهش بسیار چشمگیر زاد و ولد است. این وضع نشان‌دهنده يك نابسامانی بزرگ در وضعیت جامعه ایران است. من معتقد نیستم که جمعیت ایران کم است، معتقد هم نیستم که زیاد است، شاید در يك مسیر طبیعی جمعیت ایران حداکثر به ۹۵ تا ۱۰۰ میلیون برسد، سپس باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که کمتر نشود، و این جمعیت متعادل و خوبی است، ولی مساله امروز فقط تعداد جمعیت نیست، بلکه این کاهش نشانه‌ای از يك بحران بزرگ است. کدام بحران؟ ترکیبی از وضعیت فقر و ناامیدی، چنین مشکلی را ایجاد کرده است. راه‌حل نیز رفع این دو مساله است. قانون جوانی جمعیت و امثال آن اتلاف وقت و آب در هاون کوبیدن است. آقایان به خیال خود دو امتیاز به نسبت مهم اقتصادی در این قانون مقرر کرده بودند که اهمیت چندانی نیز نداشت، یکی پرداخت وام و دیگری تحویل خودرو خارج از نوبت. وام مزبور به کلی از بودجه حذف شد، هر چند اگر هم بود درد چندانی را درمان نمی‌کرد و بازپرداخت آن مساله مهم‌تری بود. تحویل خودرو هم ظاهراً منتفی است، زیرا قیمت آن آزاد خواهد شد. بقیه مقررات آن عمدتاً عوارض مهمی دارد که در جای خود به آن اشاره شده است. این قانون نه تنها امید به آینده را ایجاد نمی‌کند، بلکه خودش منشأ ناامیدی است. نه تنها فقر را از میان نمی‌برد و شغل ایجاد نمی‌کند که آنها را بدتر هم می‌کند. وضعیت جمعیت در ایران شاهد مهمی در ضرورت فهم دو بحران اقتصادی (فقر و بیکاری) و سیاسی (ناامیدی از آینده) است. مدیریت جامعه باید به این نکته روشن توجه کند، فردا خیلی دیر است.